

یادداشتی از مهرداد صدرنقیسی

زالاوا؛ زالوی خرافه

زالاوا اثری است که توانسته هیجان را در اندازه ی خود به قامت فیلم بپوشاند.

به گزارش خبر، مهرداد صدرنقیسی در یادداشت ارسالی با موضوع "زالاوا؛ زالوی خرافه" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛ اثر ارسلان امیری با محوریت خرافات ساخته شده است. موضوعی که قرن هاست گریبان این اجتماع را گرفته است. قصه تقابل رئیس پاسگاه منطقه ای روستایی و افکار خرافی گونه مردمان همان روستا است.

گویی فیلم در فضایی دو قطبی می گذرد. فضایی که به احتمال زیاد فیلم ساز قطب رئیس پاسگاه را برای ارائه بیانیه خود انتخاب می کند و تمام قد خود را پشت او پنهان می سازد. فیلمساز نمی خواهد، شاید هم نمی تواند، خرافات را بی پرده از تیغ نقد بگذارد. چرا که خاستگاه بخش وسیعی از این خرافات ریشه در باورهای مذهبی دارد و او نمی تواند با اثری ۹۰ دقیقه ای مقابل تمام آنان ایستادگی کند. اما فیلمساز سعی داشته است تا حد امکان و توان نقد خویش را بر این موضوع حساس وارد کند.

نمای آغازین فیلم، نمایی جذاب و اثر گذار است. در این نما دوربین به صورت عمودی روستای بنا نهاده شده روی کوه را نشان می دهد تا به رئیس پاسگاه که با دستی بر کمر ایستاده است؛ برسد. این نما گویای تقابل و ایستادگی رئیس پاسگاه مقابل افکار روستا است. کاراکتر رییس پاسگاه دل در گروی دختری دارد که پزشک است و از روستازادگان آزمایش تهیه می کند (آزمایشی که خود او برای تهیه آنان مدت زیادی وقت گذاشته تا با افکار آنان مبارزه کند و آنان را راضی به همکاری کند) اما ترس همواره بر او چیره است و او نمی تواند همچون رییس پاسگاه ایستادگی کند.

کاراکتر پزشک خود نمادی دیگر از ایستادگی مقابل خرافه است؛ با این تفاوت که او به گونه ای سازشگر روند تغییر و ایستادگی را انتخاب می کند. از از طرفی جانشین رییس پاسگاه که سودای تکیه زدن بر مسند او را دارد نیز همچون مردمان روستا مقابل او می ایستد. اما ایستادگی او از جنس خرافه پرستی روستاییان نیست.

چرا که او نماد تمام دولتمردانی است که از خرافات مردم برای کنترل آنان استفاده می کنند. او صراحتا اعلام می کند که از حربه ی خرافات استفاده می کند تا روستاییان علیه او و یا حکومت مرکزی شورش نکنند.

اصلی ترین کاراکتری که مقابل او می ایستد و اصطلاحا تا آخر فیلم با رئیس پاسگاه سر شاخ است، کسی است که روستاییان به او اعتماد دارند. همین اعتمادی که از عدم خرد و آگاهی روستازادگان بر می آید دستمایه مخالفت رئیس پاسگاه با او می شود. چرا که رئیس پاسگاه صراحتا به او می گوید تو از اعتقادات و نادانی مردم سواستفاده می کنی و به او می فهماند دست امثال او برای فردی هشیار همچون او همیشه رو است.

زالاوا فیلمی است که خواسته یا ناخواسته در ژانر وحشت قرار می گیرد. چرا که دست روی موضعی گذاشته که همواره در افکار عمومی با ترس همراه است. حال آنکه تا چه حد فیلم ساز توانسته ترس را بر وجود تماشاگر بیندازد خود بحث دیگری است.

اما آنچه با دیدن فیلم برای من جذاب بود، این است که فیلمساز هیچ تلاشی برای القای وحشت به مخاطب نکرده است. در واقع دغدغه او ترس نیست، بلکه دغدغه ی او نقد خرافه است. میزان ترسی که به تماشاگر نشان داده می شود، همان میزان بالقوه ای است که به صورت معمول و تنها با حرف زدن از آن به مخاطب القا می شود و نه بیشتر.

در آخر باید نوشت شاید فیلم زالوا برای مخاطب عام نباشد و تماشاگر عام نتواند به خوبی با آن ارتباط برقرار کند؛ اما قطعا خیلی اثرگذار توانسته پیام مدنظر را به مخاطب خاص انتقال دهد.